

نگاهی تحلیلی، حقوقی و اخلاقی به دعوای رفع مزاحمت

دکتر حسن بادینی^۱، دکتر مهشیدالسادات طبایی^۲، داود حسنخانی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۴)

چکیده

زمینه: همزیستی انسان‌ها مستلزم رعایت آداب اخلاقی است که در علم اخلاق از آن تحت عنوان اخلاق مدنی یاد می‌شود و منجر به نظم هنجاری می‌شود. برای اینکه اخلاق مدنی ضمانت اجرایی داشته باشد مجموعه قوانینی در جامعه تحت عنوان آیین دادرسی مدنی شکل گرفت. یکی از دعوای در این رابطه دعوای رفع مزاحمت است. در دعوای رفع مزاحمت مسائل پیچیده‌ای وجود دارد که قانون آیین دادرسی مدنی به خوبی به آنها توجه نکرده است. در این نوشتار سعی شده ضمن توجه به مبحث اخلاق مدنی و قوانین حامی آن، موارد تشابه و تفاوت دعوای رفع مزاحمت از سایر مفاهیم مشابه مورد توجه قرار گرفته و نحوه اجرای آن در نظام آیین دادرسی مدنی تبیین گردد.

نتیجه گیری: اخلاق مدنی ضرورت تمدن شهرنشینی است و با مفاهیم همبستگی اجتماعی و نظم اجتماعی نزدیکی بسیار دارد. بی‌شک بدون عنایت به وجدان فردی نمی‌توان توقع داشت اخلاق در جامعه مدنی نهادینه شود اما برای برقراری نظم اجتماعی نیاز به قوانین و مقرراتی وجود دارد که ضمانتی اجرایی برای اخلاق مدنی فراهم سازد. نظام آیین دادرسی مدنی شاید راهی است تا اخلاق مدنی را زیر چتر حمایتی قانون قرار دهد. در این بین شیوه برخورد آیین دادرسی مدنی با دعوای رفع مزاحمت می‌تواند به عنوان یک نمونه مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت این قانون به بهانه منع احقاق حق شخصی و حفظ نظم هنجاری و عمومی، مبنای حق را تصرف اشخاص قرار داده و در نتیجه، مالکیت اشخاص را مورد تعرض قرار داده است. در چنین شرایطی این احتمال وجود دارد که مالک متصرف، با فقدان سبق تصرف، از تصرف مالکانه خود محروم ماند. در این مورد مشخص شد که آیین دادرسی مدنی کشور برای تضمین نظم هنجاری و صیانت از اخلاق مدنی نیازمند اصلاحات اساسی است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق مدنی، آیین دادرسی مدنی، دعوای رفع مزاحمت، اصل مالکیت

سر آغاز

مزاحمت از سایر مفاهیم مشابه به عنوان نمونه‌ای از مباحث حقوقی مطرح در حیطه دادرسی مدنی مورد توجه قرار گرفته و نحوه اجرای آن در نظام آیین دادرسی مدنی تبیین گردد.

اخلاق مدنی

ویژگی‌ها و شرایط گوناگونی وجود دارد که دنیای مدرن امروزی را از جهان پیشامدرن متمایز و تفکیک می‌کند. تجربه مدرنیته حیات انسان را به شکلی غیرقابل انکار متحول ساخته و ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی از این تحول تاثیر گرفته‌اند. بدون تردید ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی بسیار تحت تاثیر مدرنیته قرار گرفته‌اند و همزیستی انسان‌ها در دنیای مدرن منجر به مفهومی تحت عنوان اخلاق مدنی در علوم اجتماعی شده است.

بدون تردید یکی از مهم‌ترین مسائل برای زندگی در جامعه، مبحث اخلاق^۱ است. توجه به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی^۲ مفهومی فرامرزی است و ریشه در تاریخ و تمدن بشری دارد. در این بین اخلاق مدنی^۳ از ضرورت‌های زندگی شهرنشینی و فعالیت در جامعه مدنی است. جوامع برای اطمینان از اجرای اصول اخلاقی در جامعه نمی‌توانند تنها بر وجدان افراد تکیه کنند. به ویژه در کشورهای در حال توسعه اخلاق مدنی ضروری حداقلی داشته و این اصل هنوز درونی نشده است. بنابراین، نیاز است برای حفظ نظم اجتماعی^۴ و هنجاری قوانین و مقرراتی برای حمایت از اخلاق مدنی تدوین گردد. بنابراین قوانین مطرح در نظام آیین دادرسی مدنی^۵ می‌تواند راهی برای جلوگیری از شکسته شدن مرزهای اخلاق مدنی باشد. در این نوشتار سعی شده ضمن توجه به مبحث اخلاق مدنی، موارد تشابه و تفاوت دعوای رفع

به پایان کار خود نزدیک می‌شود و حقوقدانان بسیاری در حال تدوین قانون جدیدی هستند.

دعوی رفع مزاحمت نمونه ای از مباحث حقوقی مطرح در حیطه دادرسی مدنی

مزاحمت در لغت به معنی اذیت کردن و تنگ گرفتن بر کسی می‌باشد و دعوی مزاحمت^۸ از جمله دعاوی تصرف می‌باشد و در اصطلاح قوانین، دعوی تصرف دعاوی هستند که در آن بواسطه اقدامی، استفاده متصرف از مال، غیر ممکن یا محدود می‌گردد. معنای عرفی دعوی مزاحمت منطبق است با تعریفی که قانون آئین دادرسی مدنی در ماده ۱۶۰ به این شرح بیان کرده است: دعوی مزاحمت عبارت است از دعوائی که به موجب آن، متصرف مال غیرمنقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می‌نماید که نسبت به تصرفات او مزاحم است، بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد(۷).

مزاحمت عملی است ناپایدار که از شخص مزاحم صادر می‌شود و همراه با زمان از بین می‌رود. به عنوان مثال زارعی می‌خواهد زمین خود را شخم بزند. به محض اینکه تراکتور را داخل زمین و شخم را شروع می‌کند، دیگری به طرق مختلف مانع انجام کار او شده و از شخم زدن زارع جلوگیری می‌نماید. زارع ناگزیر است دست از شخم بردارد و در همان موقع مزاحمت متفتی می‌گردد و از شخص مزاحم عملی سر نمی‌زند. زارع به تصور اینکه هرگاه بخواهد زمین خود را مورد تصرف و استفاده قرار دهد، مزاحم دگر بار مانع اقدام او خواهد شد، برای جلوگیری از مزاحمت آینده در صدد طرح دعوی یا شکایت بر می‌آید.

قانونگذار، به روش های گوناگونی از تصرف اشخاص حمایت کرده است و حتی اصل مالکیت که از اصول و مبانی قوانین مدنی می‌باشد بر مبنای تصرف قرار داده شده است. قانونگذار با پذیرش دعوی رفع مزاحمت، امتیازی به خواهان یا متصرف سابق داده است که بتواند از آن ویژگیهای خاص و تسهیلات آن (مانند رسیدگی بدون تشریفات، عدم ضرورت به ارائه دلیل مالکیت در دادرسی و صدور دستور موقت، اجرای رأی قبل از قطعی شدن آن) بهره مند گردد و از سوی دیگر نظم اجتماعی مختل نشود و از احقاق حق شخصی جلوگیری گردد(۸).

اصحاب دعوی رفع مزاحمت

وجود طرفین در هر دعوایی، از شرایط شکلی آن است که شرایط، هر یک را به طور جداگانه بررسی میکنیم.

الف) خواهان دعوی رفع مزاحمت

وفق مقررات، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده‌ی قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. یکی از شرایط دعوی رفع مزاحمت این است که خواهان دارای سمت قانونی باشد و در این دعوا، خواهان (اگرچه مالک نباشد) باید کسی باشد که

اخلاق مدنی آن نوع اخلاقی است که به ارزش ها و هنجارهای حیات اجتماعی انسان ها در دوره ای از تمدن مربوط می‌گردد که شهرنشینی در آن غلبه یافته است. به عبارتی اخلاق مدنی اخلاق همزیستی^۹ است و با مفاهیم همبستگی اجتماعی، پیوند اجتماعی و نظم اجتماعی همراه است اما مترادف نیست(۱ و ۲). اخلاق مدنی، از ویژگی های زندگی در یک جامعه مدنی است. جامعه مدنی، جامعه ای است که نهادهای رسمی و غیررسمی در آن مردم را به همراه کردن منافع شخصی با منافع عمومی سوق می‌دهند. همین امر است که باعث می‌شود اخلاق از ضرورت های عصر مدرنیته باشد. در جوامع سنتی مشروعیت ها از سنت یا تقدس یک فرد نشأت می‌گرفت در حالیکه در دنیای مدرن نظام تعاملی و ارتباطی مردم بر اساس قراردادهایی شکل گرفته که به حیثیت انسانی و حقوق بر حقه ی تک تک شهروندان توجه دارد. در جامعه مدنی قرارداد خارج از جنسیت، قوم و نژاد نوشته و اجرا می‌شود و طبیعتاً هیچکس نباید به حقوق سایر انسان ها تعدی و تجاوز نماید(۳ و ۴). چنین امری ضرورت تدوین قوانین و مقررات را برای حمایت از اخلاق مدنی در جامعه مدرن به تصویر می‌کشد.

آیین دادرسی مدنی

ارتباط میان اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تاکید فلاسفه و اندیشمندان اخلاقی و حقوقدانان است. ارزش های اخلاقی سنگ بنای علم حقوق است و اخلاق در حقیقت سازنده قواعد حقوقی است. اینکه سازندگی در چه مواردی ممکن است خود محل بحث است از این رو بایسته است به موارد دخالت قاعده اخلاقی در حقوق به شکل رابطه حقوق و اخلاق پرداخت (۵). از جمله مباحث مورد توجه در این زمینه ارتباط حقوق و اخلاق در آیین دادرسی مدنی است.

آئین دادرسی مدنی تشریفاتی است که مشخص می‌کند افرادی که مدعی حقی برای خود هستند یا اختلافی در امور مدنی با یکدیگر دارند چگونه می‌توانند این حقوق را به موقع اجرا در آورند(۶). به عبارتی آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول، قواعد و احکامی است که در بستر قوانین دادرسی روند و رویه فصل خصومت و حل اختلافات مدنی میان متداعیین را توسط دادرس یا دادرسان حقوقی به شیوه ای عادلانه، منصفانه و نظام مند سازماندهی می‌نماید. حمایت از اخلاق مدنی و اجرای عدالت مدنی در تمام نظام های حقوقی مستلزم وجود قوانین شکلی است که اصول، تشریفات و عملکرد دادرس حقوقی و اداره دعوی مدنی را در رسیدگی به دعوی ها به شیوه ای سازمان یافته وضع می‌نماید (۵).

اولین قانون آئین دادرسی مدنی در ایران در سال ۱۳۱۶ با نام «اصول محاکمات حقوقی»^۷ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و بارها مورد تجدید نظر کلی و جزئی قرار گرفت. در حال حاضر قانون سال ۱۳۷۹ معتبر است که تحت عنوان «قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی» در ۵۲۹ ماده روز ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. امروزه قانون آیین دادرسی مدنی

مقررات حاکم بر دعوی رفع مزاحمت

در مورد دعوی رفع مزاحمت مقررات و قوانین متعددی وضع شده است:

۱- قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲.

۲- قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹.

۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

بعضی، مقررات مندرج در فصل هشتم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی را، بازنویسی مواد قانون رفع تصرف عدوانی مصوب سال ۱۳۵۲ دانسته اند (۱۳). عده ای دیگر معتقدند، «قانون سال ۱۳۵۲ در حقیقت به طور صریح، نسخ نشده است» (۱۲). بعضی گفته اند، «قید کلمه «شکایت» در ماده ۱۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی، با الهام از قانون سال ۱۳۵۲ که به قوت خود باقی است، نوشته شده است» (۱۴) و ماده ۱ آن قانون را معتبر میدانند (۱۲). از سوی دیگر قانون سال ۱۳۵۲ در مورد اموال منقول هم اشاره دارد که یک قانون خاص و معتبر می باشد. در حالیکه قانون آیین دادرسی مدنی وقانون مجازات اسلامی در مورد اموال منقول احکامی ندارند که ماده ۱ قانون سال ۱۳۵۲ این نقیصه را مرتفع می سازد.

نظریه شماره ۷/۱۷۰۰-۷/۱۳۶۳/۸/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه به صراحت وجود ماده ۱۳۴ قانون تعزیرات (۳ و ۶۹۰ فعلی) را ناسخ قانون اصلاح جلوگیری از تصرف عدوانی، ندانسته است و مدعی می تواند، به استناد ماده ۲ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی و یا ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی و یا ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی اقدام به طرح دعوا نماید (۱۱) و قانون جلوگیری از تصرف عدوانی معتبر است (۱۵).

رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در دعوی رفع مزاحمت

نص صریح در قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به دعوی رفع مزاحمت را تابع تشریفات «قی، آدم، ندانسته است اما این به مفهوم نادیده گرفتن اصول دادرسی نمی باشد اگرچه معلوم نیست، تشریفات دادرسی با سایر قواعد دادرسی چه تفاوتی دارند که به صراحت در قانون نیامده است.

مشکل دوم این است که هیچ تعریفی از تشریفات آدم، در قوانین دیده نمی شود که از نظر قانونگذاری شایسته نمی باشد (۱۶) باید گفت که، اصول جزایی در کتب حقوقی جزا، تعریف دقیق دارد، برخی از حقوقدانان معتقدند که «تعیین موارد تشریفات دادرسی^{۱۰} به نظر دادرسان واگذار شده است که ممکن است به بروز اختلاف نظر و سلیقه میان دادرسان منجر گردد که در این موضوع اشاره ای گذرا شده و از آن عبور کرده اند» (۱۲). اگرچه اینان اتفاق نظر دارند که ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی، اصول دادرسی را شامل نمی شود که این مطلب با عدم تعریف اصول دادرسی مشکل را دو چندان کرده است و این ابهام به مواد دیگر قانون آیین دادرسی مدنی متوجه خواهد بود.

دارای سبق تصرف باشد. اما در قانون آیین دادرسی مدنی، قانونگذار از این قاعده به مصالحی عدول کرده است و مقرر داشته «مستأجر، مباشر، خادم، کارگر و به طور کلی اشخاصی که ملکی را از طرف دیگری متصرف باشند، می توانند به قائم مقامی مالک برابر مقررات بالا شکایت کنند» قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۷۰. «به نظر می رسد این مقررات با اصول و قواعد منطبق نباشد، چرا که اینان نه اصل اند و نه وکیل، اینها قائم مقام به مفهوم خاص هم نمی باشند» (۹).

در واقع امر، فلسفه ای اختیار داشتن در طرح دعوی مزاحمت از سوی این اشخاص، حمایت سریع از تصرف و مزاحمت و جلوگیری از هرج و مرج و برقراری نظم عمومی بوده است (۱۰). البته از این نوع استثنائات در مواردی دیگر هم وجود دارد برای مثال: مدیر و هیأت مدیران آپارتمان مجاز به طرح شکایت به مراجع قضایی دانسته شده اند. گفته شده اشخاص غیرمالک که محافظت از مال را بر عهده دارند طبق قاعده «اذن در شیء اذن در لوازم آن است» در صورت ایجاد اخلال از سوی دیگری در تصرفات آنها، متصرف بتواند با کمک خواستن از قانون، حفظ مال را در مقابل اعمال خوانده، بخواهد (۹). برخی هم گفته اند کاربرد قائم مقامی طبق ماده ۱۷۰ ق.آ.د.م موجه نیست «زیرا اشخاص مذکور در این ماده، اصالتاً طرح دعوی می کنند نه به وکالت. چرا که خودشان ذینفع اند و در دعوی رفع مزاحمت طرح دعوی از سوی متصرف است و مالکیت نقشی ندارد» (۱۱). اگرچه اثبات سبق تصرفات متصرف غیرمالک، خواهان متصرف را از مزیت استناد به سند مالکیت و برای اثبات سبق تصرفات محروم می سازد و حتی متصرف می تواند رفع مزاحمت مالک را بخواهد چرا که مزاحم متصرف حتی اگر مالک آن باشد، می توان علیه وی طرح دعوی رفع مزاحمت نمود (۱۲).

ب) خواننده دعوی رفع مزاحمت

کسی که مزاحم متصرفات دیگری وبدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد را مزاحم و به اخلال ایجاد شده، عنوان مزاحمت گفته می شود و این مزاحمت اعم است از اخلال جزئی و یا غیر آن. این اخلال باید بدون رضایت خواهان و به وسیله ای غیرقانونی بوده باشد اما در صورتی که این اخلال به دستور مراجع قضایی محقق شود دیگر عنوان دعوی رفع مزاحمت مرتفع خواهد بود. چنانچه مزاحم که مانع استیفاء منفعت متصرف مال غیرمنقول شده است اما شخص خواهان خود رفع مزاحمت کرده است و مزاحمت خوانده فعلیت نداشته است دیگر موجهی برای طرح دعوی رفع مزاحمت نخواهد بود (۱۳).

رسیدگی به دعوی رفع مزاحمت

قانونگذار، رسیدگی به دعوی رفع مزاحمت را تابع تشریفات دادرسی ندانسته است بلکه رسیدگی به این دعوا را خارج از نوبت هم دانسته که اینها به لحاظ اهمیت امنیت قضایی و نظم عمومی و هنجاری و اینکه، این دعوا صرفنظر از ماهیت آن، یک دعوی شکلی است که البته عدم ضرورت تشریفات دادرسی در این دعوا به مفهوم نادیده انگاشتن، اصول و قواعد آمره رسیدگی نخواهد بود.

باید گفت نظریه‌ی ابراز شده چندان موجه نمیباشد اگرچه نظر کمیسیون تخصصی معاونت آموزشی قوه قضاییه که مقرر داشته است «مستفاد از مواد ۲ و ۴۸ ق.آ.د.م این است که طرح دعوای تصرف عدوانی و ممانعت از حق و رفع مزاحمت می بایست روی اوراق چاپی دادخواست و برابر ضوابط قانونی تنظیم شود ...» (۱۱). در نشست قضایی دادگستری تنکابن شهریور ۱۳۸۰، ارائه دعوای در فرم دادخواست را لازم می دانند (۱۱). عده‌ای دیگر تقدیم درخواست را کافی دانسته اند. اگرچه عده‌ای دیگر تقدیم دادخواست را ضروری می دانند (۲۳).

در نتیجه به نظر می رسد با قیاد کلمه «درخواست» طرح دعوای رفع مزاحمت با دادخواست، منظور قانونگذار نبوده است.

ب) رسیدگی خارج از نوبت

رسیدگی به دعوای در مراجع قضایی، اصولاً با تعیین وقت جلسه دادرسی و دعوت اصحاب دعوی و بصورت دادرسی عادی انجام که فاصله ابلاغ وقت به اصحاب دعوی تا تاریخ جلسه رسیدگی نباید کمتر از ۵ روز باشد (۲۴). «رسیدگی خارج از نوبت، بیانگر ضرورت رسیدگی خارج از وقت عادی است» (۲۵). که در دعوای رفع مزاحمت رسیدگی خارج از نوبت نشانگر اهمیت آن برای جلوگیری از اختلال در نظم هنجاری ست.

اجرای رأی دادگاه مبنی بر رفع مزاحمت

الف) اجرای دستور موقت

در دعوای رفع مزاحمت و طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی احراز سوءنیت در دعوای رفع مزاحمت مؤثر نیست (۲۳). پس از صدور دستور موقت، چنانچه در پرونده حکم به نفع خواهان صادر گردد، این دستور همچنان باقی و ادامه می یابد الا، دستور موقت صادره لغو خواهد شد به شرط اینکه رأی دادگاه قطعی شود و یا اینکه دادگاه تجدیدنظر دستور موقت دیگری صادر کند.

اجرای دستور موقت، محتاج به ابلاغ نمی باشد زیرا یک دستور است، اگرچه ممکن است در قالب و عنوان یک قرار صادر شده باشد و قانون اجرای احکام مدنی، در مورد آراء است و ضرورت ابلاغ آراء را متذکر شده است.

از سوی دیگر، با توجه به مفاد ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی، صدور اجرائیه برای اجرای احکام ضرورت دارد و دستور موقت، حکم نیست و احتیاج به صدور اجرائیه نمی باشد بلکه مستفاد از ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، دستور موقت صادره از سوی دادگاه، به دستور دادگاه و توسط اجرای آن یا ضابطین دادگستری اجرا می شود بدون درخواست اجرا، امکان اجرای دستور موقت نمی باشد. دستور موقت، طبق ماده ۱۷۴ آیین دادرسی مدنی، با صدور رأی به رد دعوا، مرتفع می شود (۱۱).

ب) اجرای رأی صادره

طبق قانون اجرای احکام مدنی، اجرای ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی عدول از قاعده کلی در قانون اجرای احکام مدنی است که به

بنا به ضرورت و برای تعیین مصادیق تشریفات باید گفت، موضوعاتی هستند که از لحظه انتخاب مرجع صالحه به رسیدگی و تقدیم دادخواست سپس رسیدگی و تا اجرای رأی قطعی را شامل می گردند که شامل: صلاحیت، تشریفات تشکیل جلسه رسیدگی که خود شامل، حضور دادرس دادگاه، کامل بودن دادخواست (مواد ۶۰ تا ۶۶)، حضور اصحاب دعوا یا وکلا و نماینده‌ی قانونی آنها، احراز ابلاغ صحیح وقت دادرسی به اصحاب دعوا و وکلای آنان، مسلم بودن رعایت فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه دادگاه (و رعایت مواد ۶۳، ۷۳، ۲۴۲ و ۲۴۷ ق.آ.د.م علنی بودن جلسه دادگاه و رعایت استثنائات آن، رعایت نظم جلسه (ماده ۱۰۱)، استماع ایرادات و زمان طرح آن ها، ادله اثبات دعوا، ختم مذاکرات و پایان دادرسی، صدور رأی که خود شامل: مهلت ها، تجدیدنظرخواهی، وخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اجرای حکمی باشد و بهتر است که این موارد را دادرسی به معنای خاص بدانیم (۱۱ و ۱۲). باید، تشریفات دادرسی را از اصول دادرسی متمایز نمود. بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن اصل حمایت عاری از تشریفات را آورده است، که برخورداری و اجرای حقوق تابع تشریفات خاصی نیست (۱۷) و باید دادرس با رعایت اصول دادرسی، رسیدگی نماید.

الف) اصول دادرسی

رعایت اصول دادرسی^{۱۱} اصل مهم اخلاقی در حقوق است. در مفهوم اصول دادرسی، آمده: دادرسی یعنی رساندن داد با اعمال حکم بر موضوع (۱۶) نمودار مفاهیم عدالت^{۱۲} در دعوای است که اصل عادلانه بودن دادرسی (۱۹)، بی طرفی دادرسی، برابری طرفین، جلوگیری از آراء معارض، تجدیدنظرپذیری و اصل لازم الاجرا بودن حکم قطعی را شامل می شود. این اصول، کلی، دایمی، انتزاعی و ارزشمندند، اینها غیرقابل عدولند و طرفین و قاضی و قانونگذار مکلف به رعایت آن اصولند و فقط امکان برتری بعضی از اصول بر دیگری و در شرایطی خاص و موردی، وجود دارد و به عبارت دیگر «اصول دادرسی ضامن اجرای عدالتند» (۲۰). «اصول دادرسی بسیار مهم و رعایت آن الزام آور است» (۲۱).

اصول دادرسی از تشریفات جدا می باشند. اینها از اصول حقوقی^{۱۳} اند آنهم دارای ویژگیهای کلی و دایمی و قانونگذار در مرحله‌ی دادرسی، در نسخ یا وضع، «تشریفات همواره مقید به رعایت اصول دادرسی است» (۲۲). «عدم لزوم رعایت تشریفات دادرسی در دعوای رفع مزاحمت نافی رعایت اصول بنیادین^{۱۴} و عادلانه دادرسی نمی باشد» (۱۰).

در مورد لزوم تقدیم دادخواست و یا کفایت درخواست، اداره حقوقی قوه قضاییه چنین بیان داشته است «با عنایت به این که ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) مقرر شده که شروع به رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می باشد و با عنایت به این که اگرچه ماده ۱۷۷ همان قانون رسیدگی به دعوای موضوع فصل هشتم قانون آیین دادرسی مدنی را تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی ندانسته ولی ظاهراً مراد مقنن مراحل دادرسی پس از اقامه دعوی بوده، بنابراین به نظر می رسد اقامه دعوی مذکور مستلزم تقدیم دادخواست می باشد».

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چندگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته اند.

واژه نامه

1. Ethics	اخلاق
2. Ethical values	ارزشهای اخلاقی
3. Civil ethics	اخلاق مدنی
4. Social order	نظم اجتماعی
5. Civil proceedings	دادرسی مدنی
6. Ethics of coexistence	اخلاق همزیستی
7. Legal trials	محاکمات حقوقی
8. Harassment lawsuit	دعوی مزاحمت
9. Legislator	قانونگذار
10. Procedures	تشریفات دادرسی
11. Principles of proceedings	اصول دادرسی
12. Justice	عدالت
13. Legal principles	اصول حقوقی
14. Fundamental Principles	اصول بنیادین
15. Principles of proceedings	تمدن شهرنشینی

References

1. Sabagh S, Rad F, Rahnamayan M. (2010). Analytical study of civil ethics in the modern world (with emphasis on the views and ideas of critical and postmodern sociologists). *Sociology Studies*; 2(6):45-64. (In Persian).
2. Kianpour S, Azimi S, Tvalaee R. (2019). Relationship between property rights and moral hazard. *Ethics in Science and Technology*; 13 (4):22-29. (In Persian).
3. Nazeri M. (2010). Immorality, civil Ethics, Iran today. *Report Magazine*; 19(217). (In Persian).
4. Afrasiabi S, Khoeeni G, Mojtahed-Soleimani A. (2020). Legal and ethical principles of criminalization in Iran's criminal law. *Ethics in Science and Technology*; 14 (4):1-6. (In Persian).
5. Ghanavati J, Mandani E. (2018). Ethics and a fair trial in the light of the predictability of the rules of procedure. *Ethical Studies*; 8(3): 159-183. (In Persian).
6. Mousavi-Bojnordi SM, Montazari Z, Mousavi MS. (2020). Manifestation of the Rule of "Who owns you?" and Position of Ethics in Civil Law. *Ethics in science and Technology*; 15 (1):1-7. (In Persian).
7. Hayati AA, Hadi H. (2008). Fundamentals of elimination of aggressive possession in Iranian law a comparative study in Imami jurisprudence and French law. *Journal of Islamic Law*; 28. (In Persian).
8. Mousavi SF, Mousavi SM. (2009). The effects of urgent litigation on Iranian and British law. *Law Journal of Tehran University*; 3. (In Persian).

عنوان یک اصل و آنهم (اصل اجرای رأی قطعی) مطرح است. اجرای رأی رفع مزاحمت و قطعیت نیافته مشمول قسمت آخر ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی است و حتی درخواست تجدیدنظر از سوی معترض، مانع اجرا نمی باشد مگر اینکه رأی صادره مبنی بر رفع مزاحمت، در مرحله تجدیدنظر نقض شود که در این صورت، اقدامات اجرایی، به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا درمی آید (۲۶).

نتیجه گیری

اخلاق مدنی ضرورت تمدن شهرنشینی^{۱۵} است و با مفاهیم همبستگی اجتماعی و نظم اجتماعی نزدیکی بسیار دارد. بی شک بدون عنایت به وجدان فردی نمی توان توقع داشت اخلاق در جامعه مدنی نهادینه شود اما به ویژه در جهان سوم که اخلاق مدنی نهادینه نشده است برای برقراری نظم اجتماعی نیاز به قوانین و مقرراتی وجود دارد که ضمانتی اجرایی برای اخلاق مدنی فراهم سازد. نظام آیین دادرسی مدنی شاید راهی است تا اخلاق مدنی را زیر چتر حمایتی قانون قرار دهد. در این بین شیوه برخورد آیین دادرسی مدنی با دعوی رفع مزاحمت می تواند به عنوان یک نمونه مورد توجه قرار گیرد.

از آثار دعوی رفع مزاحمت ضمن حمایت از تصرف، می توان به حفظ ثبات و نظم عمومی اشاره داشت. به طور کلی سرایدار، خادم، کارگر و سایر اشخاصی که از طرف دیگری متصرف اند، امکان اقامه دعوی علیه مالک را دارند. از آنجایی که در این دعا به ماهیت حق رسیدگی نمی شود، قاعده منع احقاق حق شخصی، مورد نظر قانونگذار می باشد و به سمت خواهان در طرح دعوا، سختگیری چندانی نشده است. باید توجه داشت که در این دعا سند مالکیت، در مقابل سبق تصرفات، تنهابه عنوان یک اماره تلقی می گردد و ارزش سند مالکیت تقلیل و در دعوی رفع مزاحمت مورد تردید واقع گشته است.

دستور موقت در این دعا با توجه به آن که استثنایی بر قواعد کلی دادرسی است، بدون رعایت تشریفات خاص و بی نیاز از تأیید رئیس حوزه قضایی قابل طرح می باشد. ضمن آن که طرح آن نیازمند تنظیم دادخواست نیست و با درخواست خواهان قابل طرح است. بر این اساس، اجرای سریع و فوری رأی صادره نیز پس از ابلاغ و بدون قطعیت رأی مانعی بر سر راه اجرا نمی باشد.

در حقیقت این قانون به بهانه منع احقاق حق شخصی و حفظ نظم هنجاری و عمومی، مبنای حق را تصرف اشخاص قرار داده و در نتیجه، مالکیت اشخاص را مورد تعرض قرار داده است. در چنین شرایطی این احتمال وجود دارد که مالک متصرف، با فقدان سبق تصرف، از تصرف مالکانه خود محروم ماند. در این مورد خاص مشخص شد که آیین دادرسی مدنی در کشور برای تضمین نظم هنجاری و صیانت از اخلاق مدنی نیازمند اصلاحات اساسی است. مشکلاتی که از تفسیر مواد این فصل از قانون آیین دادرسی در مورد دعوی رفع مزاحمت ارائه شده، موجب اتخاذ رویه های متفاوت و سرگردانی قضات و وکلا گردیده است.



18. Shams A. (2004). Cases of issuing temporary orders and effective factors in its diagnosis. Journal of Legal Research; 39. (In Persian).
19. Mahin H. (1955). The difference between the principles of civil and criminal proceedings. Journal of the Bar Association; 7(43). (In Persian).
20. Mohseni H. (2006). The concept of procedural principles and the interpretive role of these principles of procedural procedures. Journal of the Bar Association; 23, 24. (In Persian).
21. Nahreini F. (2017). Civil procedure. 1st ed. Tehran: Ganje Danesh Publication.
22. Hojati SM. (2006). The concept of procedural principles and their interpretive role and how these principles are distinguished from procedural procedures. Journal of the Bar Association; 23, 24. (In Persian).
23. Mohajeri A. (2008). Extended civil procedure. 2nd ed. Tehran: Fekrsazan Publication.
24. Jafari-Langeroudi MJ. (2005). Legal terminology. Tehran: Ganje Danesh Publication.
25. Mohajeri A. (1999). Out-of-turn hearings in public courts. 1st ed. Tehran: Ganje Danesh Publication.
26. Abhari H. (2010). Dispute in jurisdiction in Iranian civil procedure. Journal of Law; 2(1). (In Persian).
9. Abhari H, Akbari M. (2011). Procedure related to cases of aggressive possession. Journal of Private Law; 2. (In Persian).
10. Karimi A. (2014). Civil procedure. Tehran: Majd Publication.
11. Zera'at A. (2004). Code of judicial procedure in the Iranian legal order. Tehran: Line Three Publication.
12. Shams A. (2001). Civil procedure. 1st ed. Tehran: Myzan Publication.
13. Vahedi G. (2006). Requirements of civil procedure. Tehran: Myzan Publication.
14. Legal Vice President (2008). Collection of rules of civil procedure. Tehran: Publication of the Vice President for Research and Revision of Laws and Regulations.
15. Soltani S, Sadat B. (2011). The legal nature of aggressive possession in Iranian law. Tehran: Khorsandi Publication.
16. Shahbazinia M, Akbari-Dehno M. (2014). The common will of the litigants at the beginning of the civil proceedings. Journal of Private Law; 11(3). (In Persian).
17. Shakeri Z. (2014). Ceremonial support with emphasis on the Berne Convention on the system of literary and artistic property of Iran and the United States. Journal of Comparative Law Studies; 5(1). (In Persian).